

بررسی مقوله کار و کارگاه در دوره سلجوقی

رضا الوندی^۱

چکیده

بر اساس شواهد تاریخی، پیشرفت هر کشوری متکی بر رونق تولید و صنعت است. جوامعی که در این زمینه‌ها رشد می‌یابند امکانات و شرایط مناسبی را برای صنعتگران، تجار و نیروهای کار خود فراهم می‌کنند. در دوره سلجوقیان متناسب با مواد خام طبیعی، دامی و فلزی که به فراوانی قابل دسترس بود، صنایع مختلفی چون سفالکاری، قالببافی، بافندگی و فلزکاری رواج پیدا کرد. به دنبال این رونق کارگاه‌های مختلفی در خانه‌ها و بازارها تأسیس شد. رشد اقتصادی در پی رشد صنعت و بازرگانی و سپس کشاورزی حاصل شد. این مقاله سعی دارد به اقتصاد و صنعت و همچنین به مقوله کارگاه‌ها در جامعه سلجوقی بپردازد. نگارنده با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع در دسترس به این مهم خواهد پرداخت.

کلید واژگان: سلجوقیان، صنعت، کارگاه، قالببافی، فلزکاری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس: rezaalvandi@modares.ac.ir

Review the work and workshops in the Seljuk period

Abstract

According to historical evidence, the progress of any country relies on the prosperity of production and industry. Societies that grow in these areas provide the right conditions for craftsmen, tradesmen and their labor forces. In the Seljuk period, various materials such as pottery, carpet weaving, knitting and metalwork were used in the natural environment, livestock and metal, which was available in abundance. Following this boom, various workshops were set up in homes and markets. Economic growth followed the growth of industry and commerce and then agriculture. This article tries to address the economy and industry as well as the workshops in Seljuk society. Writers will do this by using descriptive and analytical methods and using available resources.

Key words: Seljuk, industry, workshop, carpet weaving, metalworking.

مقدمه

حکومت سلجوقیان با خلافت عباسیان پیوند حساسی داشت. این دوره از جهات مختلف با دوره های قبلی خود متفاوت بود؛ ولی پرداختن به این اختلافات از موضوع این مقاله خارج است. همکاری خلیفه و سلطان و توجه هر دو به رشد و پیشرفت هنر و صنعت باعث رونق و شکوفایی اقتصاد جامعه اسلامی دوره سلجوقی شد. البته این مسئله یک حس رقابتی مذهبی نژادی را نیز در جامعه اسلامی پدید آورد که این شکوفایی را بیش از پیش جلوه می داد. یکی از دوره های مهم رونق صنعت و هنر اسلام، دوره سلجوقیان می باشد. ما در این دوران شاهد رشد انواع

صنایع و حرفه ها، هنرها هستیم. این پیشرفت به دنبال خود باعث تأسیس کارگاه ها و قوانین کار و کارگاهی گردید. کارگاه هایی که در این دوران رشد یافتند بیشتر در خانه ها یا در محل فروش کالاها یعنی بازار بودند. پروسه تولید به صورت سنتی و با ابزارهای دستی و نیروی کار ابتدائی جریان داشت. محیط جغرافیایی که سلاجقه در آن به حکومت می پرداختند نیز تأثیری بسیاری در تنوع نیروی کار به وجود آورده بود. چون در این محدوده جغرافیایی افراد مختلفی از قومیت ها و مذاهب متفاوت می زیستند.

مقوله کارگاه در منابع قرون نخستین نه تنها به شکل خاص مطرح نشده بلکه به صورت پراکنده نیز چندان مورد تأکید قرار نگرفته است. لذا این مسئله یکی از دشواری‌های پیش روی این تحقیق خواهد بود. کار یک واژه متداولی است که ریشه ی عربی دارد و معانی مختلفی می‌توان برای آن در نظر گرفت. سعی ما بر این است آن معنی که مناسب این پژوهش باشد را برای این واژه به کار ببریم. کار یعنی آنچه از شخصی یا شیئی صادر یا تولید شود، آن چه کرده شود، فعل، عمل. (فرهنگ معین). معانی متعدد دیگر نیز می‌توان برای آن نام برد: پیشه، شغل، سعی، زراعت، وظیفه، صنعت و هنر، (همان) آن چه شخص خود را بدان مشغول سازد و فعل و عمل و کردار (فرهنگ دهخدا).

همانطور که اشاره شد منبع به خصوصی در مورد کار و کارگاه که نوشته شود وجود ندارد. البته اهمیت اطلاعاتی که از طریق منابع دست اول به دست می‌آید را نمی‌توان نادیده گرفت چرا که آنها مانند چراغی هستند که مسیر تحقیق را روشن و هموار می‌سازند. روشی که برای این پژوهش در نظر گرفته شده تفسیری- تبیینی خواهد بود. برای شروع مقاله ابتدا لازم می‌نماید مقوله کارگاه را توضیح دهیم.

مقوله کارگاه

چنانکه پیشتر نیز اشاره گردید در منابع دست اول در مورد مقوله کارگاه اطلاعات چندانی نیست. چنین به نظر می‌رسد که چون کارها به صورت دستی آن هم بیشتر در خانه‌ها انجام می‌شد و مکان مشخصی برای تولید کالا وجود نداشته است، این واژه برای آن دوران کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر اگر ما کارگاه را به معنای امروزی آن یک مکان خاص برای تولید کالا که محل کار کارگران بسیاری است در نظر بگیریم و چون در دوره سلجوقیان این امر یک پدیده نابه‌هنگام بوده پس عنوان شدن واژه کارگاه یا کارخانه در آن دوران، دور از انتظار خواهد بود. در نتیجه چون در قرون نخستین اسلامی شیوه ی تولید، ابتدائی و در محل سکونت کارفرمایان انجام می‌گرفت ما این واژه را در منابع نمی‌بینیم.

کارگاه در لغت به معنای محل ساختن چیزها، جای کار کردن کارگران (فرهنگ معین) محل ساختن چیزها خصوصاً بافتن جامه (فرهنگ دهخدا). هر شخصی بسته به مهارت خود اسباب و ابزار کارش را در محل سکونت خود تهیه می‌کرد و به همین خاطر صنعت در دوره سلجوقی به صورت دستی در خانه‌ها که کارخانه‌های روزگار خود بودند در جریان بود. در این دوره صنایع دستی از جمله فرش، پارچه، پرده بافی، ساختن ظروف و جواهرسازی رواج

داشت (فروزانی ۱۳۹۳ ، ۴۱۷ ؛ حسنین ۱۳۸۹ ص ۱۶۳). ابن‌الاثیر از بازار زرگران، درهم فروشان و عطاران بغداد یاد کرده است (ابن اثیر ، ۱۳۸۸ ، ج ۱۴ ، ص ۶۱۱۹). ناصر خسرو از بازارهای بسیار در اصفهان، چون بازارهای صرافان که دویست مرد صراف در آن مشغول به کار بودند یاد کرده است (قبادیانی، ۱۳۷۵ ، ۱۶۵-۱۶۶). در دوره‌ی فرمانروایی سلجوقیان بزرگ و شعبات آن سلسله و نیز سلسله‌های محلی تحت فرمان آنها مانند اتابکان هنرهایی چون خوشنویسی ، نقاشی و صنایع هنری مانند فلزکاری ، قالیبافی، پارچه بافی و سفالگری پیشرفت چشمگیری داشتند (فروزانی، ۱۳۹۳، ۴۶۳-۴۶۴). بعضی سفالینه‌های ساخته شده در ری و کاشان با هفت رنگ راسته شده و با شیوه‌ای دشوار لعابکاری می‌شدند (پرایس، ۱۳۶۴ ، ۶۲-۶۳). در هنر سفال‌سازی ساخت انواع ظروف سفالین مانند ظروف لعابدار یکرنگ ، رنگارنگ با نقش قالب زده ، طلایی و مینایی ، با نقش کنده کاری شده و ظروف معروف به لعابی با تکنیک خاص در مراکز مهم سفال‌سازی چون ری ، کاشان ، جرجان و نیشابور توسعه یافت. گفتنی است که شهر کاشان در تاریخ صنایع سفال‌گری ایران مقامی بسیار ارجمند داشت (محمد حسن ۱۳۶۳ ، ۲۰۴).

انواع کار، کارگاه‌ها و هنرها

هر منطقه متناسب با مواد خاصی که در آنجا بیشتر یافت می‌شد کالاهای مخصوص خود را تولید می‌کرد. سلجوقیان به علت معیشت دامداری‌شان و طبیعتاً مواد پشمی که از گوسفندان بدست می‌آوردند باعث می‌شد محصولات پارچه‌ای تولید بیشتری داشته باشد و به مراتب کارگاه‌های پارچه بافی ، قالیبافی در این دوره بیشتر بود. در حقیقت اقتصاد در دوره ی سلجوقی بیشتر بر پایه‌ی کشاورزی، دامداری سپس صنعت‌گری بود (فروزانی، ۱۳۹۳ ، ۴۱۴۵-۴۱۶). با توجه به شیوه‌ی معیشت مبتنی بر دامپروری مسلم است که در دوره سلاجقه تولیدات دامی (گوشت و لبن) و نیز صنایع متکی به پوست چارپایان و صنایع که ماده اصلی مورد استفاده آنها پشم و مو بود چون فرش، گلیم، پرده، پارچه و بلوز بافی رواج پیدا کند (فروزانی، ۱۳۹۳ ، ۴۱۷ ؛ حسنین ، ۱۳۸۹ ، ۱۶۳).

ابن‌حوقل در مورد جامه‌ها و پارچه‌ها به ویژه سوسنجدی و پرده‌های ابریشمی و از قالی‌های، گلیم، جاجیم و سجاده و بافت جامه‌های منقوش چهارم یاد می‌کند همچنین از قالی‌های خوب و ظریف دارابگرد و سینیز و توج جامه‌های مرغوب و کناوه در شیراز پرده‌های مرغوب با عنوان شیراز مشهور بود یاد می‌کند (همان ، ۴۹). در شهر یزد جامه‌های نخی تولید می‌شد (حدود العالم ، ۱۳۷۲ ، ۳۷۵) در شهر بم پارچه‌های پنبه‌ای

زیبا و دیبای نازک و جامه‌های گرانبها ساخته می‌شد (همان، ۴۲۰). در شهر زرنند پارچه‌های آستری معروف به زرنندی حتی به مصر و ... فرستاده می‌شد، دیبای شوشتر نیز معروف بود. در شوش نیز و در رامهرمز جامه‌های ابریشمی تولید می‌شد (همان، ۴۲۱). پس با توجه به نوع محصولات کارگاه‌های مختلف پارچه‌ای به خصوص قالیبافی در شهرها، به خصوص اصفهان وجود داشت. دلیل دیگر گسترش کارگاه‌های قالیبافی گرایش سلاطین و خلفا به تجملات بود. سلاطین و خلفا سعی می‌کردند بهترین لباس‌ها و فرش‌ها را برای خود داشته باشند. کتیبه‌های بافته شده بر حاشیه‌ی لباس‌های فاخر خلفا و یا کارگزاران به طراز شهره است. چند کارخانه بزرگ پارچه بافی در ایران، شام، مصر قرن‌ها رداها و پوشاک خلیفه و امرا و بزرگان دربار اموی و بعدها عباسیان را تهیه می‌کردند (جان احمدی، ۱۳۹۳، ۱۹۱). کارگران و اهل صنعت جزء عامه محسوب می‌شدند. در آن زمان مردم شامل دو طبقه خاصه و عامه بودند و هر کدام از این دو طبقه خود به دسته‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شدند. اعضای طبقه خاصه عبارت بودند از: (۱) خلیفه، (۲) خاندان خلیفه، (۳) رجال دولتی، (۴) خانواده‌های مهم، (۵) اتباع طبقه خاصه (سپاهیان، ندیمان، همدستان بزرگان و خدمت‌گزاران). طبقه عامه به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شد: (۱) نزدیکان خواص (نقاشان، شامران، موسیقی‌دانان، علما، فقها، اربا، بازرگانان، صنعت‌گران بزرگ)، (۲) اکثریت مردم: کشاورزان، اهالی شهر، صنعت‌گران دستی، مانند آهن‌گران، بافندگان، خیاطان، نجاران، آرایشگران، شکارچیان، نانواها و آسیابان‌ها گروهی هم عیاران، سطاران، افراد بی‌قید و بند بودند (فروزانی، ۱۳۹۳، ۴۰۹؛ زیدان، ۱۳۶۹، ۸۸-۹۱۴).

متأسفانه نمونه‌ای از فرش‌های مربوط به سلاجقه در ایران باقی نمانده است و تنها چند قطعه از قالی‌های مربوط به آن دوره در آسیای صغیر، در مسجد علاءالدین در شهر قونیه یافته شده است (فروزانی، ۱۳۹۳، ۴۶۸). این قالی‌ها دارای طیف‌های مختلفی از رنگ‌های قرمز و آبی هستند و زمینه‌های آنها با شکل‌ها و نقوش هندسی مکرر پوشیده شده است و در حاشیه پیرامونشان حروف کوفی غیر خوانایی وجود دارد (محمد حسن، ۱۳۶۳، ۱۹). در اصفهان پارچه‌های متنوعی از جمله، عقابی و وشی، بافته می‌شد و جامه‌هایی نیز از جنس پنبه، کرباس و ابریشم سقلاطون در آن شهر تولید و به نواحی مختلف صادر می‌شد. در آن دوره تغییراتی در طراحی پارچه‌ها ایجاد گردید به این صورت که با استفاده از شیوه‌های چینی، نقش مایه‌هایی مانند گیاه، پرنده و حیوان پارچه‌ها را می‌آراستند. همچنین

پارچه‌هایی رواج یافت که در آنها به سبک دوره اسلامی از طرح شاخ و برگ درختان و نیز حاشیه‌های تزئینی و طرح حیوانات همراه با خطوط کوفی برای تزئین پارچه‌ها استفاده می‌شد (کجیاف، ۱۳۸۹، ۶۶). گفتنی است که اکنون در حدود پنجاه تکه از پارچه‌های مربوط به سلجوقی وجود دارد (یاوری، ۱۳۹۱، ۱۴۷). به طور کلی در این دوره اصناف و صنایع مختلفی وجود داشت؛ به گونه‌ای که صنعتگران دارای طبقه خاص خود بودند و بر حسب پیشه خود مزایای متفاوتی داشتند. بسیاری از صنعتگران در دربار مشغول به کار بوده و بسیاری دیگر نیز در بازارها به صنعتگری مشغول بودند (برای اطلاعات بیشتر رک: سعید الشیخی، ۱۳۶۲).

تولید کالاهای متنوع باعث شده بود تا موقعیت تجارت داخلی و خارجی از رواج و شکوفایی چشمگیری برخوردار شود. مازاد کالاها و محصولات کشاورزی و صنعتی (صنایع دستی و کارگاهی) که در شهرها و روستاهای تولید می‌شد، توسط تاجران داخلی یا خارجی مبادله می‌شد (فروزانی، ۱۳۹۳، ۴۱۷ - ۴۱۸). پارچه‌های متنوع (ابریشم، پنبه، پشم، دستار و جامه‌های دوخته شده، پرده، جاجیم، زیلو، گلیم، قالی، بوری، پشم، ابریشم، سنگ‌های قیمتی (فیروزه و لعل) داروهای گیاهی، ادویه‌جات، کالاهای چرمی، براق‌آلات، ظروف سفالین و برنزی، مواد معدنی (مس، آهن، گوگرد) زره جوشن و سلاح‌های گوناگون، پوست‌های گرانبها، جوراب و شلوار بند از جمله فراورده‌هایی بودند که یا در بازارهای داخلی فروخته می‌شد یا به خارج صادر می‌گشتند.^۱ اصفهان مرکز صدور پارچه‌های متنوع به سایر نواحی جبل و نیز عراق و فارس و خوزستان بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۱۰۱ - ۱۱۷). بنابراین نوشته‌ی محمد حسن زکی «فلز کاری دوره‌ی سلجوقی همان ابهت و جلالی را داشت که از میزان آثار صنعتی و فلزکاری دوره‌ی ساسانی^۲ بوده است» (زکی، ۱۳۶۳، ۲۵۷). در کتاب سیری در هنر و معماری ایران، با ذکر دلایلی به این موضوع اشاره شده است که بدون شک دوره سلجوقی درخشان‌ترین عصر فلز کاری ایران است (یاوری ۱۳۹۱ ص ۱۴۶).

به طور کلی صنعت فلز کاری در زمان حکومت سلجوقیان مانند عصر فرمانروایی ساسانیان به دو نوع فلزکاری قابل تقسیم است. (۱) اشیاء ساخته شده از ورقه‌های مس، آهن، برنج و

^۱ رک: کتاب‌های صورۃ الارض ابن حوقل، احسن تقاسیم مقدسی، مسالک و الممالک اصطخری، اشکال العالم جیهانی و حدود العالم من المشرق الی المغرب.

^۲ نگاه کنید به محمد حسن زکی، ۱۳۶۳، ۲۵۳؛ فروزانی، ۱۳۹۳، ۴۶۶.

ندرتا از طلا و نقره . ۲) اشیاء ریختگی ساخته شده برنج ، مس و احتمالا طلا و نقره . (احسانی، ۱۳۸۲، ۱۴۳) تزئینات از ویژگی فلزکاری سلاجقه و خطوط کوفی نیز بر روی همه اشیاء فلزی نگاشته می‌شد (رک: فروزانی، ۱۳۹۳، ۴۶۶؛ اتینگها وزن و گرابر ، ۱۳۷۸، ۵۰۸). در اطراف یکایک اشیاء برنزی که در دوره ی سلجوقی در هرات ساخته می‌شد حاشیه‌های افقی همراه با کتیبه‌هایی دیده می‌شود که اشکالی چون اسب سواران، رقاصان، خنیاگران و بازیگران بر روی آنها قلمزنی شده است (کونل، ۱۳۵۵، ۸۸ - ۸۹).

به نوشته‌ی گرابر در خراسان یا شمال شرق ایران که مرکز عمده فلزکاری بود تا زمان حمله مغولان ادامه داشت (گرابر، ۱۳۶۶، ۶۰۷). آثار فلزی زیبای متعددی از دوره سلجوقیان باقیمانده است، از جمله بشقاب نقره‌ای که هنرمندی به نام حسن کاشانی بنا به دستور همسر آلبارسلان ساخته است. پیرامون سینی یاد شده کتیبه‌ای به خطوط کوفی و در قسمت بالا و پایین آن، ثصاویر دو غاز و دو گوزن بالدار که پشت به یکدیگر دارند کنده‌کاری شده و در میان نقوشی از گلها و برگ‌ها کتیبه‌ای به نام آلب ارسلان دیده می‌شود . (احسانی، ۱۳۸۲، ۱۴۶ - ۱۴۷) . جالب آنکه هنر فلزکاری ایران عصر سلجوقی در اروپا مورد تقلید قرار گرفته است. شاهد این مدعا مشربه ای برنجی است که در قرن ۱۵ م در شهر ونیز ایتالیا به تقلید از هنر و سبک ایرانی ساخته شد. این مشربه که دسته آن، به سبک هنر هخامنشی و لوله آن به اسلوب سبک هنر ساسانی است از نظر تزئینات بدنه، جلوه‌ای است از هنر سلجوقی و گوتیک غرب (احسانی، ۱۳۸۲، ۱۴۳. فروزانی، ۱۳۹۳، ۴۹۷).

مآخذ

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۸)، *تاریخ کامل*، مترجم حمیدرضا آژیر، تهران، اساطیر.
- ابوالقاسم محمد ابن حوقل (۱۳۶۶)، *صورة الارض*، جعفرشعار، تهران، امیرکبیر.
- اتینگهاوزن، ریچارد و اولگ. گ (۱۳۷۸)، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سمت.
- احسانی، محمد تقی (۱۳۸۲)، *هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران*، تهران، نشر علمی فرهنگی.
- پرایس، کریستین (۱۳۶۴)، *تاریخ هنر اسلامی*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، نشر علمی فرهنگی.
- حسنین، عبدالنعیم محمد (۱۳۸۹)، *ایران و عراق در عصر سلجوقی*، ترجمه سید جمال موسوی، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۳)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران، نشر معارف.
- زیدان، جرجی (۱۳۶۹)، *تاریخ تمدن اسلامی*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
- سعید الشیخی، صباح ابراهیم (۱۳۶۲)، *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه دکتر هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، *سلجوقیان از آغاز تا فرجام*، تهران، سمت.
- قبادبانی، ناصر خسرو (۱۳۷۵)، *سفرنامه*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، نشر زوار.
- کاتلی، مارگریتا و لوئی هامبر (۱۳۷۶)، *هنر سلجوقی و خوارزمی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
- کجباف، علی اکبر (۱۳۸۹)، *اصفهان در دوره سلجوقیان*، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- کونل، ارنست (۱۳۵۵)، *هنر اسلامی*، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، توس.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴)، *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران، سمت.
- گرابراً (۱۳۶۶)، *هنرهای تجسمی ۷۵۱-۴۴۲ق/۱۳۵۰-۱۰۵۰م*، *تاریخ کمبریج*، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.

محمد حسن، زکی (۱۳۶۳)، *تاریخ صنایع ایران (بعد از اسلام)*، ترجمه محمد علی خلیلی، تهران، اقبال.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم*، علینقی منزوی، تهران، مولفان و مترجمان ایران.

یاوری، حسین (۱۳۹۱)، *سیری در هنر معماری ایران*، تهران، سیمای دانش و آذر.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی